

نیم نگاهی به انتظار در آینه روایات

محمد باقر فقیه ایمانی

بسم الله الرحمن الرحیم

نیم نگاهی به انتظار در آینه روایات

نویسنده:

محمدباقر الفقیه ایمانی

ناشر چاپی:

روزنامه رسالت

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

نیم نگاهی به انتظار در آینه روایات

مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی : ایران

سرشناسه : فقیه‌ایمانی، محمدباقر، ۱۲۷۹ - ۱۳۲۹

عنوان و نام پدیدآور : نیم نگاهی به انتظار در آیینه روایات/میرزا محمدباقر فقیه ایمانی

منشا مقاله : رسالت ، ۲۶ شهریور ۱۳۸۴ : ص ۶

، ۲۷ شهریور ۱۳۸۴ : ص ۱۹

توصیفگر : محمدبن‌حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق ـ

توصیفگر : احادیث

توصیفگر : انتظار منجی

توصیفگر : ظهور منجی

اشاره

اشاره

روایات بسیاری وارد شده که با انتظار،نصرت و یاری امام (ع) حاصل می شود، از جمله در «نورالابصار» از حضرت صادق (علیه السلام)روایت شده است که فرمود:«هر کس از شما بمیرد در حالی که انتظار ظهور حضرت قائم (ع)را داشته باشد، مانند کسی است که با آن حضرت و در خیمه ایشان باشد.آنگاه اندکی ساکت شد و سپس فرمود: مانند کسی است که در رکاب او جهاد کند.پس از آن فرمود: نه، والله، بلکه مانند کسی است که در رکاب رسول اکرم (صل الله علیه و اله) شهید شده باشد.» [۱] .و نیز روایت دیگری در «نورالابصار» از ابی حمزه نقل شده که گفت: به حضرت صادق (صل الله علیه و اله) عرض کردم: فدایت شوم، پیرو ناتوان شده ام،و اجلم نزدیک شده است و میترسم پیش از وقوع امر فرج شما بمیرم.«فرمود: ای ابا حمزه!هر کس که ایمان داشته باشد و گفتار ما را تصدیق کند، و منتظر فرج ما باشد، مانند کسی است که در زیر پرچم حضرت قائم (علیه السلام) شهید شده باشد، بلکه ثواب کسی را دارد که در رکاب حضرت رسول (صل الله علیه و اله) شهید شده باشد.» [۲] .و در روایت دیگری از آن حضرت نقل شده که فرمود:«هر کدام از شما که در حال انتظار فرج از دنیا رود، حق تعالی از بسیاری از شهیدان بدر و احد افضل است.» [۳] .و از این روایات استفاده می شود که: خداوند به واسطه ی انتظار،اجر و ثواب مجاهدین و شهدای در رکاب حضرت قائم (علیه السلام)را مرحمت می فرماید، و منتظرین فرج را در زمره یاوران ایشان محشور می فرماید.و در فصل سوم در بیان معنای انتظار روشن می شود که هر گاه حقیقت انتظار در کسی حاصل شود، با همان انتظارش در حقیقت نصرت و یاری امام (علیه السلام) نموده است.

ذکر روایاتی در سایر فضیلت های انتظار

در این جابه برخی دیگر از فضائل انتظار، و بیان وجوب انتظار و آن که انتظار از لوازم حقیقیهٔ ایمان، و از شرایط قبولی اعمال و عبادات است می پردازیم.در «نورالابصار» از تفسیر «برهان» از مسعده روایت شده که گفت:«در محضر مبارک حضرت صادق (علیه

السلام)بودم که پیرمرد قد خمیده ای وارد شد، در حالی که به عصای خود تکیه کرده بود، پس سلام کرد، و حضرت جواب سلامش را دادند.آن گاه عرض کرد: یا بن رسول الله!دست خود را بدهید ببوسم؟آن گاه دست حضرت را بوسید، و سپس شروع کرد به گریه کردن.حضرت فرمودند ای پیرمرد!چرا گریه می کنی؟عرض کرد:فدایت شوم. صد سال است که عمرم در انتظار قائم شما سپری گشته، هر ماه جدیدی که می آید می گویم: در این ماه ظاهر می شود. و هر سالی که تازه می شود می گویم:در این سال واقع می شود، اکنون پیر و ناتوان شده ام و اجلم فرا رسیده، و هنوز به مراد دل خود نرسیده ام، و فرج شما را ندیده ام،چرا گریه نکنم و حال آن که بعضی از شما را در اطراف زمین پراکنده و بعضی را به ظلم دین کشته می بینم.پس حضرت صادق (علیه السلام) گریان شدند و فرمودند:«ای پیرمرد!اگر زنده ماندی تا زمانی که ببینی قائم ما را، مقام رفیع و بسیار والائی خواهی داشت، و اگر پیش از ظهور آن حضرت در انتظار او از دنیا رفتی، پس در روز قیامت در زمره ی آل محمد(صل الله علیه و اله) محشور خواهی شد.و آن ها ما هستیم که امر به تمسک به ما نمو ده،در آن جا که فرمود:«انی مخلف فیکم الثقلین، فتمسکوا بهما لن تضلوا، کتاب الله و عترتی اهل بیتی»من در میان شما دو گوهر گرانبها را بر جای می گذارم، پس به آن دو تمسک کنید که هیچ گاه گمراه نشوید: کتاب خدا و عترت یعنی خاندانم.»اما زین العابدین (علیه السلام) به ابی خالد کابلی فرمود:«ثم تتمد الغیبه بولی الله عشر(علیه السلام) من اوصیا ء رسول الله (صل الله علیه و اله) و الائمه بعده. یا ابا خالد!ان اهل زمان غیبته القائلون بامامته، المنتظرون لظهوره افضل اهل کل زمان، لان الله – تعالی ذکره ـ اعطاهم من العقول و الافهام و المعرفه ما صارت به الغیبه عندهم بمنزله المشاهده،وجعلهم فی ذلک الزمان بمنزله المجاهدین بین یدی رسول الله (صل الله علیه و اله) بالسیف، اولئک المخلصون حقا،و شیعتنا صدقا،والدعاه الی دین الله سرا و جهرا.»و قال:«انتظار الفرج من اعظم الفرج» [۴] .«سپس غائب ماندن ولی خدا که دوازدهمین جانشین رسول خدا (صل الله علیه و اله) و امامان بعد از او می باشد طولانی خواهد گشت.ای ابو خالد،همانا اهل زمان غیبت او که امامتش را باور دارند،ومنتظر ظهور او هستند از مردم همه ی زمانها بهترند، زیرا که خداوند تبارک و تعالی آن چنان عقل و شعور و معرفت به آن ها عنایت فرموده که غیبت نزدآنان مانند حضور و مشاهده است،و آنان رادر آن زمان به منزله ی کسانی قرار داده که در پیشگاه رسول خدا (صل الله علیه و اله) با شمشیر جهاد کرده اند،آنان حقا مخلص هستند، و راستی که شیعیان ما هستند، ودعوت کنندگان به دین خدای عزوجل در پنهان و آشکار می باشند.»و فرمود:«انتظار فرج خود از بزرگترین فرجها است.»درروایت دیگری ابی بصیر گوید: روزی امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمودند:«آیا شما را خبر ندهم به چیزی که خداوند جزبه آن عملی رااز بندگان قبول نمی کند؟ گفتم:بلی.فرمود: شهادت به وحدانیت و یکتائی خداوند و رسالت پیامبر اکرم و اقرار به آن چه امر فرموده، ودوستی مابیزاری از دشمنان ما، و تسلیم بودن در برابر ما و داشتن ورع و اجتهاد و اطمینان،وانتظار کشیدن برای قیام قائم (علیه السلام).آن گاه فرمود: به درستی که برای ما دولتی است که خداوند آن را هر وقت که بخواهد ظاهر می گرداند.سپس فرمود: هر کس دوست دارد که از اصحاب قائم (علیه السلام)باشد پس هر آینه باید انتظار کشد،و با ورع و محاسن اخلاق عمل کند در حالی که انتظار دارد، پس اگر بمیرد و قائم پس از او خروج کند از برای او اجر کسی است که آن حضرت را درک کرده است. پس کوشش کنید و انتظار بکشید، گوارا باد برای شما ای گروهی که مورد لطف و رحمت خداهستید.» [۵] .در «کافی» است که ابی جارود به امام محمد باقر (علیه السلام) عرضه داشت:«یابن رسول الله؛ هل تعرف مودتی لکم و انقطاعی الیکم و موالاتی ایاکم؟ قال: فقال: نعم.قلت: فانی اسئلک مسئله تجیبنی فیهافانی مکفوف البصر، قلیل المشی و لا یستطیع زیارتکم کل حین.قال: هات حاجتک.قلت: اخبرنی بدینک الذی تدین الله عزوجل به: انت و اهل بیتک لادین الله عزوجل به.قال: ان کنت اقصرت الخطبه قد اعظمت المسئله، والله لاعطینک دینی و دین آبائی الذی ندین الله و عزوجل به شهاده ان لا اله الا الله و ان محمدارسول الله (صل الله علیه و اله) و الاقرار بما جاء من عند الله و الولایه لولینا و البرائه من عدونا،و التسلیم لامرنا،و انتظار قائمنا، و الاجتهاد و الورع.» [۶] .«ای فرزند رسول خدا! آیا مودت و دلبستگی و پیروی مرا نسبت به خودتان قبول دارید؟فرمود:آریعرضه داشتم: من از شمامطلبی را

می پرسم و می خواهم به من پاسخ دهید، زیرا که چشم من نابینااست و کمتر راه می روم و نمیتوانم هر وقت بخواهم به دیدار شما بیایم.فرمود: خواسته ات را بازگوی!عرض کردم: دینی که تو و خاندان شما خدای عزوجل رابا آن دینداری میکنید برایم بیان فرما تا خداوند را با آن دینداری کنم؟حضرت فرمود: گرچه سوال را کوتاه کردی ولی مطلب مهمی پرسیدی، به خدا قسم، دینی را که من و پدرانم خداوند را با آن دینداری می کنیم برایت می گویم:گواهی دادن به این که هیچ معبود حقیقی جز خداوند نیست، و این که محمد (صل الله علیه و اله) پیامبر خدااست، و اقرار به آن چه از طرف خداوند آورده، ودوستی با دوستان ما و بیزاری از دشمنان ما، وتسلیم بودن به امر ما، وانتظار قائم ما، وتلاش و پرهیزکاری می باشد.»و هم چنین در اخبار بسیاری تصریح شده است که: انتظار فرج از فضل عبادات نزد خداوند عزوجل است. [۷] .

معنای انتظار، شرایط و آثار و علائم آن

اشاره

حقیقت انتظار بر حسب مفهوم لفظی آن ضد یاس است، و مراداز انتظار چیزی، آن است که یقین به وقوع آن داشته و چشم به راه آن باشد، وامیدوار به زمان وقوعش باشد.کیفیت انتظار فرج حضرت حجت (علیه السلام) در هر زمانی چه قبل از زمان غیبت و چه در حال غیبت، بر دو قسم است:قسم اول: انتظار قلبی.قسم دوم: انتظار بدنی.

انتظار قلبی

انتظار قلبی دارای درجات سه گانه است:- درجه اول:آن که یقین داشته باشد ظهور آن حضرت حق است و واقع خواهد شد و آن وعده‌الهی است که تخلفی در آن نیست، و هر قدر هم در تحقق آن تاخیر شود، مایوس و ناامید نگردد و منکر اصل آن نشود.- درجه دوم:آن ظهور را موقت به وقت خاصی نداند که قبل از آن مایوس از وقوع آن شود.- درجه سوم: آن که بر حسب آن چه در روایت است که:«توقعوا الفرج صباحا و مساء اً». [۸] .«هر صبح و شام منتظر فرج باشید».و آن چه در وارد است که:«یاتی بغته کالشهاب الثاقب» [۹] .«او هم چون شهاب فروزانی ناگهان خواهد آمد»و در فقره ای از دعا است:«انهم یرونه بعیدا و نریه قریبا» [۱۰] .و امثال این ها، پس در هر حال و هر زمانی منتظر باشید،یعنی امید وقوع آن را داشته باشید.درجه اول: این درجه واجب است و حقیقت ایمان به آن بستگی دارد، ونبود آن در باطن امر موجب کفروضلالت می شود، اگر چه به حسب ظاهر محکوم به احکام اسلام باشد، و برای همیشه در آتش با کفار خواهد بود،چون انکار امر امامت است، هر چند در ظاهر اقرار به توحید و رسالت دارد، ودلیل بر آن ازآیات و اخبار بسیار زیاد است، چنانکه به بعضی ازآن اشاره شد.و آن چه از آیات وروایات بعد از ملاحظه وعده های الهیه که در بعضی از آیات قرآن [۱۱] داده شده،استفاده می شوداین است که بر حسب دلیل عقلی ونقلی،کسانی که شایستگی خلافت و وراثت نبویه و ولایت الهیه را دارند، منحصرند به دوازده وجود مقدس که حسب و نسب و اسم و وصف و شخص آن ها از جهت پدری و مادری، در اخبار متواتر ذکر شده است، و بعد از ملاحظه آن که آن وعده های الهیه تا کنون ـ برآن وجهی که درآن آیات وآن اخبار است ـ هرگز در هیچ زمانی نسبت به هیچ کدام ازآن دوازده نفر و درحق غیر آن ها وقوع نیافته، و دین الهی در کل عالم بر همه ی دین ها غلبه پیدا نکرده که جمیع مردم به آن معترف شده باشند، و به ملاحظه ی آن که امامان معصوم علیهم السلام همگی تا کنون مظلوم واقع شده و ضعیف شمرده شده اند و تمکین و استخلاف و وراثت آن ها در زمین با نبود خوف و ترس برای هیچ یک تحقق نیافته،پس باید انتظار تحقق آن وعده های الهی رابه وجود حضرت مهدی (علیه السلام) و نیز برای پدران بزرگوارش بعد از رجعت ایشان به این دنیا،چنانچه در اخبار متواتره بر آن تصریح شده، داشته باشد.و بعد از تامل منصفانه و بدون

تعصب و عناد در این آیات اخبار، واضح و روشن می شود که انکار و شبهه در امر ظهور و فرج حضرت مهدی ونیز در رجعت پدران گرامیش (علیه السلام)، انکار و تشکیک در آیات قرآنی و ادله قطعی نقلی است، و حقیقت کفر و ضلال جز همان انکار امر حق یا تشکیک در آن بعد از وضوح نیست.درجه دوم: این درجه نیز واجب است، لکن بر وجهی که اگر نباشد موجب فسق است، و آن یاسی است که حرام است و از آن نهی شده است، و این حرمت به مقتضای تکذیب و قاتون (کسانی که وقت برای ظهور تعیین می کنند) است. [۱۲] .درجه سوم: این درجه مقتضای کمال ایمان است و نبود آن موجب نقصان درایمان است، پس لازمه ی کمال ایمان مومن آن است که بر حسب احادیث زیادی که درآن ها امر فرج را تقریب فرموده اند:آن را نزدیک بدانند و پیوسته چشم به راه باشد، وباید حال مومن مانند حال کسی باشد که خبر آمدن مسافر را به او داده اند، و مسافر او درحال بازگشت است،و او با این احتمال که موانع سبب تاخیر در رسیدن او شده، همه روزه انتظار آمدن آن مسافر را دارد.بنابراین؛ باید برای ظهور آن حضرت و نیز ملاقات باایشان ـ به آدابی که ذکر می شود ـمهیا شود، همان طور که انسان از برای مسافر عظیم القدر تهیه می بیند.

انتظار بدنی

هر گاه مزرعه ای داشته باشد، آن را اصلاح کرده و تخم بکارد و آب دهد، چون احتمال وقوع آفات زمینی و آسمانی می رود،دعا می کند و از خداوند متعال حفظ آن زراعت را ازآن آفات طلب میکند،و با این حال انتظار می کشد که زمان رسیدن محصول آن فرارسد.خداوند عالم جل شانه در هر زمان وجود مبارک امام (علیه السلام) را وسیله ی بقاء عالم و عطا کردن نعمتهای خود قرار داده است،که بدون آن نه عالمی باقی می ماند و نه نعمتی عطا می شود و ظهور امر امام (علیه السلام) را ـ که تصرفات ظاهری داشته باشد ـ وسیله از برای ظهور کامل همه ی نعمتهای ظاهری و باطنی قرار داده است،که بدون آن در هر قسم از آن نعمتها نقصان پیدا می شود، و در هر کدام سرور و خوشحالی او مقرون به حزن و غم خواهد شد.و همان گونه که در نعمتهای دنیوی خداوند متعال بعضی اسباب را مهیا کرده و آن نعمتها را به وسیله ی آن اسباب عطا می فرماید، چون بذر کاشتن و آب دادن که وسیله ی ظاهر شدن حبوبات و میوه جات و گلهای گوناگون است، هم چنین برای تعجیل در ظهور امام که وسیله ظهور همه نعمتها است، اسبابی مقرر فرموده است که به دست خود بندگان است، و آن اسباب عبارت از تقوا و اعمال صالحه است، چنانچه دراین آیه ی شریفه می فرماید:«ولو ان اهل القری آمنوا و اتقوا لفتحنا علیهم برکات من السماءو الارض» [۱۳] .و آفت تعجیل در ظهور آن حضرت، اعمال قبیحه زشت و گناهان بندگان است، و از همه آنها بدتر افشاءکردن اسرار آل محمد علیهم السلام و تقیه نکردن از دشمنان می باشد، که خود امر فرج رابه تاخیر می اندازد، و لذا بنده ی مومن با توبه از همه گناهان و خطاها از خداوند دفع آفات و اثر آن ها راطلب می کند، و با این حال انتظار میکشد که زمان رسیدن محصول یعنی روز ظهور و فرج امام علیه السلام فرارسد، و این حال با خصوصیات، انتظار کامل بدنی است که از لوازم کمال ایمان است.

شرایط انتظار

اشاره

شرایط انتظار یعنی: اموری که مترتب شدن فضائل انتظار ـ که ذکر شدـ به آن بستگی دارد، وهر قدر درآن امور نقصان حاصل شود، موجب نقصان در فضائل و ثوابهای آن خواهد شد، از مهمترین آن شرایط، دو امر است که دراین مقام ذکر می شود.

خلوص نیت، اولین شرط انتظار

اشاره

همچنان که گفتیم انتظار فرج از بهترین و ارزنده ترین عبادات نزد خداوند است، و شرط صحت و قبولی هر عبادتی اخلاص است و توضیح آن چنین است که در هر عبادتی انگیزه و محرك آدمی بر انجام آن ممکن است یکی از وجوه زیر باشد.وجه اول:آن که انگیزه و محرك بر عمل، اصلاح امور دنیوی باشد، و آن به دو گونه است:اول:آن که در عمل قصد ونیت او فقط رسیدن به امر دنیوی باشد، بدون آن که درآن رضای الهی را تصور نماید، واین مانند مزدور و اجرت بگیری است که قصدش، گرفتن اجرت است، و چیز دیگری را هرگز ملاحظه نمی کند.پس هر گاه در مقام عبادت قصد بنده چنین باشد، این عبادت به طور کلی از درجه خلوص ساقط است، و علماءدر چنین حال به بطلان آن حکم می کنند.دوم:آن که قصد در عبادت رضای الهی است، و لکن رضای الهی را وسیلخ حصول امر دنیوی قرار میدهد، یعنی: چون معرفت پیدا نموده که خداوند عالم این عبادت را دوست دارد،بجا می آورد که رضای الهی به آن حاصل شود، و خداوند به وسیله ی آن امر او را اصلاح فرماید.پس اگر چنانچه در کلیه عبادات، نیت و قصدش همان به دست آوردن امور دنیوی و رسیدن به مقاصد آن باشد که برگشت همه اش به دنیا است، مانند ریاست طلبی و راحت طلبی و لذت جویی و امثال این ها، پس از عبادت، عبادت شیطانی است، و چنین شخصی از زمره ی اهل اخلاص به طور کلی خارج است.و لکن اگر این نوع قصد درامور اضطراری باشد، یعنی در بعضی از حوائج دنیوی چون اداء قرض یا رفع امراض یا رفعپیشانی و امثال این ها به بعضی از عبادتها بر همان وجهی که دستور داده شده است، متوسل شود،و نیت اودرآن عبادت، رضای الهی وآن را وسیله امر دنیائی قرار دهد، این کمترین درجه خلوص می باشد،و علماء به صحت این عمل به وجه مزبور حکم فرموده اند.وجه دوم: آن که انگیزه عمل او، محض فوائد اخروی،مانند رسیدن به مقامات عالیه بهشت، یا نجات از درکات آتش و دوزخ باشد.گرچه در این مورد نیت و قصد واقعی در عبادت حصول رضای الهی است، و به وسیله ی رضای الهی در آن عبادت، بنده از خداوند جل شانه بهشت یا خلاصی از جهنم را طلب می نماید،ولی با این حال، خلوص حاصل می شود.لکن خلوص حقیقی حاصل نمی شود، زیرا خلوص حقیقی در مقام عبادت آن است که بنده هیچ منفعتی که برگشت آن به خودش باشد ـ ولو منافع اخروی ـ در نیت لحاظ نکند، و حقیقتا جز رضای الهی چیز دیگری در نظرش نباشد وجه سوم:آن که در مقام عبادت قصد واقعی او جز رضای الهی چیز دیگری نباشد، و این خلوص کامل حقیقی است.ولکن منافات ندارد که بنده با این درجه خلوص از کمال رغبت و اشتیاق به نعمتهای الهی در بهشت، و ترس از عذاب الهی در جهنم داشته باشد، به واسطه آن که خلوص او در مقام عبادت و بندگی است که دراین مقام جز رضای الهی هیچ امر دیگری را ملاحظه نمی کند.و اما نعمتهای الهی و هم چنین نجات از عذاب او را از جود و عفو او سئوال می نماید، بدون آن که هیچ یک از این ها رادر حال عبادت در قصد و نیت خود ملاحظه کرده و به نظر آورد.چنانکه حال اولیاء الله چنین بوده، وشرح حال مناجات آنها و فقرات دعاهای آنان قوی ترین شاهدبر این مطلب می باشد.درجات سه گانه نیت در انتظار و ظهور حضرت مهدی (علیه السلام)درجه اول:بعضی از بندگان عمده غرض آن ها در انتظار فرج حضرت صاحب الامر (علیه السلام) اشتیاق به زیادی نعمتهای الهی و وسعت در امور زندگی،و رفع شدائد و سختیها می باشد که در دوران ظهور وجود دارد، و این خود بر دوگون است:اول:آن که غرض و هدف او مجرد رسیدن به همین جهات مزبوره است،به گونه ای که اگر چنانچه در همین حال از برای او این جهات اصلاح شود، یعنی خداوند به او وسعت در نعمتهای خود عطا فرماید، و از او سختیها و بلاها را دفع نماید،پس آن حال اشتیاق ازاو زائل می شود و به کلی از ذکر آن حضرت و از یاد فرج وظهور ایشان غافل می گردد.پس اگر چنین باشد، به طور کلی از عنوان خلوص خارج خواهد شد،و به فضیلت انتظار فرج فائز نخواهد گردید، ودر این انتظارش از اهل دنیا خواهد بود.چنانچه در کتاب «کافی» از ابی بصیر روایت کرده که گفت به امام صادق (علیه السلام)عرض کردم: کی فرج خواهد شد؟ فرمود:«و انت ممن ترید الدنیا؟»«قصد و اراده تو در طلب این امر دنیا است؟».سپس فرمود: هر کس به این امر معرفت پیدا نماید پس به واسطه ی انتظار فرج الهی به تحقیق از برای او فرج حاصل شده است.» [۱۴]

.دوم: آن که غرض از اشتیاق داشتن او به آن جهات مزبوره،به ملاحظه آن است که آن گشایش ها و آن نعمت های فراوان،مخصوص آن زمان است،وچیزی است که آن را خداوند از برای اولیاء مقربین او صلوات الله علیهم اجمعین پسندیده است، چنین اشتیاقی نزد خداوند محبوب است.چنانچه مضمون حدیثی است که از حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) که فرمود:«ما اهل بیت در مقام رضای الهی چنانیم که اگرخداوند فقر را برما مقدر کند،دوست می داریم، و اگر وسعت و غنا مقدر نماید آن را نیز دوست می داریم.»و در روایت دیگری نقل شده است که:«چون خداوند عالم برای حضرت ایوب (علیه السلام) بعد از برطرف شدن بلا،ملخ طلا نازل کرد،آن حضرت تمام ملخها رااز اطراف برمی داشت، جبرئیل (علیه السلام) عرض کرد:خوب در جمع آوری آن ها اهتمام دارید! چون که عطای پروردگار من است.» [۱۵] .پس از این گونه احادیث ظاهر می شود که هرگاه بنده نعمت های دنیوی را به این عنوان که آن عطائی است که خداوند به رضای خود مرحمت فرموده است، دوست داشته باشد، این دوستی از موضوع اخباری که در مذمت دنیا و دوست داشتن آن وارد شده، خارج است.و چون همه نعمت های الهی که در زمان فرج آل محمد علیهم السلام وعده داده شده است،خداوند آن هارا برای اولیاء مقربین خود پسندیده، و گوارا قرار داده است، پس اشتیاق به آن ها محبوب و الهی خواهد بود، چرا که بنده در این اشتیاق و انتظارش؛ رضای الهی را ملاحظه دارد، و لهذا به همه ی فیوضات و ثوابهای مقرره برای انتظار فرج فائز خواهد شد.لکن این نوع قصد و غرض مرتبه ی اول خلوص در امر انتظار فرج می باشد، به واسطه ی آن که نهایت آن طلب نعمتهای دنیوی است.درجه دوم:بعضی از بندگان عمده غرض در اشتیاق به فرج آن حضرت، برخورداری از علوم و معارف و حکمتهای الهی باشد.زیرا علومی که در آن زمان ظاهر می شود مافوق تمام علومی است که از اول عالم تا آن زمان ظاهر شده، و درآن زمان هرکس به کمال علم خود از دیگری بی نیاز می گردد، و در تفسیر این آیه ی مبارکه «یغن الله کلًا من سعته» [۱۶] آمده است که حتی زنان در خانه های خود به احکام دین، به درجه ی علماء، عارف و عالم می شوند. [۱۷] .و این به برکت دست مبارک آن حضرت است که سر بر شیعیان می گذارد، و عقول آنها کامل می شود، چنانچه در روایات متعددی در کتاب «کافی» و غیر آن وارد شده است. [۱۸] .و ظاهر فرمودن همه ی بیست و هفت حرفی است که مبنای علوم الهی است که حضرتش افاضه می فرمایند، و از اول عالم تا کنون بیش از دو حرف آن ظاهر نگردیده است.و هم چنین اشتیاق به فرج آن حضرت دارد، به خاطر آن که درآن زمان اسباب عبادت به اعلی درجه آن آماده است، چون که شیطان و اتباع او همگی کشته و نابود می شوند، و به خاطر مخذول بودن شیاطین ظاهری، ترس از بندگان برداشته می شود.پس هرگاه غرض اصلی و حقیقی در اشتیاق و انتظار فرج آن حضرت رسیدن به این دو مقصد مهم ـ یعنی کمال معرفت و عبادت ـ باشد، روشن است که از نظر خلوص چندین برابر از درجه ی اولی کاملتر است، و به همین جهت به آن فیوضات و ثوابهای خاصه ی انتظار فرج هم به کاملترین درجه فائز می شود.ولکن این درجه هم خلوص کامل نیست،چرا که خلوص کامل آن است که بنده در مقام عبادت هیچ جهت از جهاتی که برگشت به خود او دارد، حتی از منافع اخروی، ملاحظه ننماید.درجه سوم:بعضی از بندگان غرض اصلی از اشتیاق به فرج آن حضرت، ظهور امرالهی و دین مبین او در همه ی دنیا و غلبه ی آن بر همه ی ادیان باطله و ظهور امر اولیاء الهی و ائمه ی معصومین علیهم السلام وظهور فضل و جلال آن ها،و ظهور نورو ضیاءآن ها، و ظهور همه ی شئونات جلیله و عظمیه ی آنها باشد، ونیز سرکوبی دشمنان اهل بیت و انتقام گیری از آنها و خونخواهی مظلومان کربلا و اجراء همه ی حدود الهی و احکام را بخواهند، که در این صورت خلوص ایشان کامل و همه ی اجر و پاداشی که برای انتظار فرج ذکر شد بر این نیت مترتب می شود.

حدیثی از امام صادق و خلوص حقیقی در انتظار

و از جمله شواهد دراین سومین درجه ی خلوص در باب انتظار فرج، لازم است وبا دارا بودن آن، همه ی فضائل انتظار به طور کامل حاصل می شود، روایت عمار ساباطی است که می گوید: به امام صادق(علیه السلام) عرض کردم:«عبادت کردن باامامی از

شما که ظاهر نبوده و درزمان دولت باطل شد افضل است، یا عبادت کردن در زمان ظهور دولت حق با امام ظاهراز شما؟ حضرت فرمودند: ای عمار!به خدا قسم صدقه دادن در پنهانی افضل است از صدقه دادن در آشکارا و به خدا قسم عبادت شما در پنهان باامام غیر ظاهر در دولت باطل افضل و بهتر است ازاین که خدا را در زمان ظهور حق با امام ظاهر عبادت کنید.»و روایت را در فضیلت و برتری اعمال در زمان خوف و ترس در دولت باطل ادامه داد، و چون عمار این مطالب را شنید می گوید:«عرض کردم: جان من فدای تو باد،هر گاه چنین است پس ما چرا آرزو کنیم که از اصحاب قائم (عجل الله تعالی فرجه) باشیم،با آن که ما امروز در زمان امامت تو و مشغول طاعت تو هستیم و اعمال ما بهتر از اعمال اصحاب دولت حق است؟حضرت فرمود:سبحان الله،آیا نمی خواهی که خدای عزوجل حق و عدل را در بلاد ظاهر گرداند، و حال همه نیکو گردد، و مردم همه بر دین حق اجتماع نمایند، و الفت در میان قلوب پراکنده به هم رسد، و کسی در زمین خدا معصیت نکند، و حدود خدا در میان خلق جاری گردد، و حق به اهلش رسیده و آن را اظهار نمایند،و چیزی از حق به جهت خوف از مردم پنهان نگردد؟بدان، والله ای عمار! کسی از شما می میرد با حال دوستی ما، مگر آن که او نزد خدای عزوجل از بسیاری از آنهایی که در جنگ بدر و احد حاضر شدند افضل است، پس بشارت باد شمار را.» [۱۹] .از قسمت آخر این حدیث شریف روشن می شود که مومن ولو به ملاحظه ی آن که اعمال او قبل از زمان ظهور و دولت حق افضل از زمان ظهور باشد، ولکن باید انتظار ظهور حضرت قائم (علیه السلام) و دولت حق را داشته باشد، و به کمال خلوص و اشتیاق ظهور امر حق و احکام دین، و ظهور امر اولیاءالهی، و بازگشت حقوق ایشان به خودشان و بر طرف شدن خوف و امثال این امور را داشته باشد.

صبر و شکیبایی

صبر و پایداری مومن در انتظار فرج امر مهمی است و همین است که موجب برخورداری او ازآن همه ثواب و فضیلتهای انتظار می شود، چنانچه در روایتی در «بحار»از حضرت صادق (علیه السلام) نقل شده که فرموده اند:«از دین ائمه داشتن ورع و عفت و صلاح...و انتظار فرج به صبر نمودن است.» [۲۰] .بلکه از این فرمایش استفاده می شود که صبر به منزله ی رکن انتظار است.

آداب انتظار

آداب انتظار اموری است که با وجود آن ها در مومن، سبب کامل شدن فضل و ثواب انتظار او می شود، و موجب بالا رفتن مقام و درجه ی او نزد خداوند و اولیاء الهی می شود، و مهمترین آنها دو امر است که به آن اشاره می کنیم.مومن هر گاه واقعاً انتظار ظهور مولای خود (علیه السلام)را دارد،وحقیقتا مشتاق دیدار جمال دلربای آن طاوس کبریائی است وواقعا درک حضورش را آرزو دارد، باید بعد از تحصیل انتظار، سعی و کوشش کند تا آن که باطن خود را به محاسن و مکارم اخلاق از قبیل حلم، وقار،عفت، بی نیازی از غیر خدا، توکل، ترحم، خضوع و خشوع، جود و کرم، و امثال این ها زینت دهد، و ظاهر خود را به آداب و سنن نبویه (صل الله علیه و اله) از قبیل انجام دادن نوافل و مستحبات،وترک نمودن مکروهات آراسته گرداند، به طوری که از اهل آن ها به حساب آید و او را متصف به آن صفات بشناسد، چنانچه از امام باقر (علیه السلام)در ضمن حدیثی نقل شده است که فرمود:«و عودوا انفسکم الخیر و کونوا من اهله تعرفوا فانی امر بهذا ولدی و شیعتی» [۲۱] .«خودتان را به امر خیر عادت بدهید، و از اهل آن شوید تا آن که نزد هر کسی به وصف خیر و نیکی شناخته شوید، به درستی که من به این طریق اولاد وشیعیان خود را امر می کنم.»و از حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) نقل شده که فرمودند:«بارها از پدر بزرگوارم شنیدم که می فرمود: از اولیاء مانیست کسی که او در قریه ای باشد که در او ده هزار نفر مردباشد و درمیان آن ها کسی پرهیزکارتر از او پیدا شود.» [۲۲] .پس از این احادیث استفاده می شود که: آن چه وسیله تقرب به ائمه اطهار علیهم السلام است و موجب لیاقت انس با آن ها می شود، اهتمام دراتصاف به محاسن

اخلاق و سنن و آداب است، و بنده ی مومن هر گاه مشتاق درك فیض حضور مولای خود و رسیدن به مقام انس با آن حضرت در ظهور ایشان، بلکه قبل از آن می باشد، باید در این دو امر، یعنی محاسن اخلاق باطنی، وحسن آداب ظاهری سعی نماید.

علائم انتظار

اشاره

یعنی چیزهایی که به واسطه ی آن ها مومن مطمئن می شود که حقیقت انتظار در وجود او پیدا شده است.و از آشکارترین آن ها، دوعلامت است که اجمالاً بیان می شود:

اشتیاق قلبی است

زیراهر چه محبوب در نظر حبیب عزیز تر باشد و محبت حبیب نسبت به او بیشتر باشد، اشتیاق او به دیدار محبوب زیادتر می شود، وهر چه آتش این اشتیاق در وجودش بیشتر شعله ور شد، مفارقت دوست مشکل تر و تلخ تر خواهد شد، و هر چه زمان مفارقت طولانی شود، غم و اندوه فراوان تری به دنبال خواهد داشت، به حدی که باعث بکاء و گریه، بلکه موجب جزع و ندبه می شود.بنابراین؛ هر گاه بنده ی مومن در حال انتظار اشتیاق دیدار مولای خود را داشته باشد، باید به واسطه ی طول زمان مفارقت و غیبت ایشلن حزن و غم در قلب او ظاهرو هویدا گردد، که لازمه اش گریستن در دوری آن حضرت است.چنانچه در «کافی» روایت شده از امام صادق (علیه السلام) که در بیان حال مومنین در زمان غیبت ایشان فرمودند:«و لتدمعن علیه عیون المومنین» [۲۳] .«برای او چشمهای مومنین گریان می شود»و دردعای ندبه دلسوختگان و شیفتگان چنین آمده:«هل من معین فاطیل معه العویل البکاء؟ هل من جزوع فاساعد جزعه اذا خلا؟ هل قذیت عین فساعدتها عینی علی القذی؟». [۲۴] .«آیا یاری کننده‌ای هست تا با او ناله و گریه را طول دهم؟ آیا جزع کننده ای هست تا آن که یاری نمایم جزع او را هر گاه ساکن شود؟ آیا چشم مجروحی هست تا آن که او را چشم من بر مجروح شدن آن یاری نماید؟»و از لوازم طول مفارقت محبوب، ناگوار بودن لذائذ در کام انسان وسلب شدن خواب راحت ازاو و همیشه به یاد محبوب خود بودن است.

عزلت و گوشه گیری از بیگانگان است، از لوازم آن، کمی گفتار مطالب بیهوده است

پس هرکس این آثار را در وجود خود به صورت بیشتر و کاملتر چه از نظر ظاهری و چه از نظر باطنی، مشاهده کرد، علامت آن است که مقام اشتیاق و حقیقت انتظار او برای ظهور و فرج مولای خود (علیه السلام)و زیارت جمال نورانی او کاملتر است.و همه ی این امور یعنی حزن قلبی، افسردگی چهره، بکاءو گریه، جزع و ندبه، ناگواری لذائذ، کمی خواب، عزلت و گوشه گیری، همیشه به یاد او بودن، قلت کلام، در اخبار به طور عموم یعنی بین هر حبیبی و محبوبی و خصوص یعنی بین آن حضرت و دوستانش اشاره شده است.و در کتاب «کمال الدین»در قضیه ابراهیم بن مهزیار روایتی از مولای ما حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه نقل شده که حضرتش در ضمن فرمایشات زیادی ـ در رابطه با آن چه پدر بزرگوارشان حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) به ایشان فرموده بودند ـ به ابراهیم بن مهزیار فرمودند:«واعلم ان قلوب اهل الطاعه و الاخلاص تزع الیك مثل الطیر اذا امت الی اوکارها و هم معشر یطلعون بمخائل الذله و الاستکانه، وهم عند الله برده اغراءیبرزون بانفس مختله محتاجع، و هم اهل القناعه و الاعتصام، استنبطوا الدین فوارده علی مجاهده الاضداد، خصهم الله باحتمال الضیم فی الدنیا لیشملهم باتساع العز فی دارالقرار، وجلبهم علی الخلائق الصبر لیکون لهم العاقبه الحسنی و کرامه حسن العقبی» [۲۵] .«بدان؛ بدرستی که دلهای اهل طاعت و اخلاص به شدت به سوی تو

پر می کشـد، همان طور که مرغان به جانب آشیانه های خود پر می کشـند و رو می آورند،و آن ها جماعتی هسـتند که در معرض ذلت و حقارت واقع می شوند، و حال آن که ایشان در نزد خداوند عزیز روسـفیدند،آن ها در بین مردم ظاهر می شوند در حالی که به شـدت مبتلاـ به فقر و نیازنـد، و ایشان اهل قناعت و اهل تمسک به وسـیله هایی هسـتند که از فتنه ها سالم بماننـد.و آن ها بر وجه تحقیق دین را به دست آورده انـد، و با آنچه باآن ضـدیت دارد مجاهده می کنند، خداوند آن ها را به قوت تحمل سـختی های دنیا مخصوص گردانیده است، تا آن که عزت فراوان در آخرت را شامل حال آن ها فرماید، و چگونگی صبر در هر مکروهی را در نهاد و سـرشت آن ها قرار داده،تا آن که از برای آن ها عاقبت نیکو و بلنـد مرتبه گی در آخرت بوده باشـد.»و از لوازم دیگر این اشتیاق، اهتمام نمودن در دعا و طلب تعجیل فرج از خداوند است، زیرا واضح است که هر گاه کسـی کمال اشتیاق را به امری داشته باشد،به هر وسـیله ای که برایش ممکن باشد سعی می کند فاصله ای که بین او و محبوبش هست برطرف کند، و از طول فراق بکاهد، و دعا بهترین وسـیله برای رسـیدن به این مقصود است.ووقتی این خواسـته یعنی اشتیاق به ظهور و برخوردار شدن از فیض دیدار جمال آن حضـرت در نظرش اهمیت زیادتری داشـته باشد، خواسـته های دیگرش راتحت الشعاع قرار میدهد، بلکه آن ها را نادیده می گیرد.و حـال اوماننـد حال حضـرت اباذر رضـی عنه الله می گردد که روایت شـده است: چشم ایشان مبتلابه چشم درد شـد، پرسـیدند: چرا معالجه نمی کنی؟ فرمود: امری مهمتر ازاین دارم،گفتند: چرا دعا نمی کنی؟ فرمود: دعائی مهمتر از این دارم. [۲۶] .

نتیجه کلی از بحث انتظار

ازآن چه در باب انتظار فرج بیان شد، واضح گردید که: هرگاه معنا و مصداق انتظار چه از نظر ظاهری و چه از نظر قلبی، باشـرایط و آداب خـاصه اش در کسـی محقق شـد، به طوری که آثـار و علاـئم آن آشـکار باشـد، پس عنوان نصـرت و یـاری به وجود مبارک حضـرت حجت (علیه السـلام)، بلکه نصـرت به جمیع پدران بزرگوار ایشان، بلکه به جمیع اولیاء الهی تحقق یافته است.و این نصرت هم نصـرت و یاری است نسـبت به قلب مبارکشان که هموم از آن برطرف می شود، و هم نسـبت به وجود اقـدس شان، که شدائد و بلیات دوران غیبت از ایشان دور می گردد، وهم نسـبت به دوستان و شیعیانشان، هم در جهات اخروی و هم در جهات دنیوی ایشان، زیرا در همه ی آن جهات برای آنان فرج حاصل خواهـد می شود.پس به وسـیله ی همین حال انتظار ـ هر چند امر فرج قبل از مرگ او واقع نشودـ در زمره انصار و یاوران واقعی آن حضـرت محسوب خواهـد شد.چنانچه حضـرت ابراهیم خلیل (علیه السـلام) وقتی از طرف پروردگار ماموریت یافت فرزند خود اسماعیل را قربانی کند، تمام مقدمات آن را فراهم نمود وآماده برای اجرای دستور الهی شـد،که به فرمان دیگری از طرف پروردگار مامور گردیـد و خودداری کرد، پس خطاب شـد: «قـد صدقت الرویا» [۲۷] یعنی به آن چه مامور شدی در مورد ذبح اسماعیل (علیه السلام) عمل کردی، و ازاین جهت، فیض عظیم الهی و پاداش فراوان او را ـ ولو با حال واقع نشدن آن ـدریافت کرد.بنابراین هرگاه بنده ای به اندازه توانایی خویش در نصرت و یاری امام زمان (علیه السلام) کوشش کند و فرج آن حضرت را انتظار کشد، چنین بنده ای درزمره ی یاوران آن حضرت قرار می گیرد، هر چند بر حسب مصالح و حکمتهای ظاهری یا پنهانی پروردگار، فرج آن حضرت تاخیر افتد.

پاورقی

[۱] بحارالانوار ج ۵۲ ص ۱۲۶ حدیث ۱۸.

[۲] تفسیر برهان ج ۴ ص ۲۹۳ حدیث ۹ به نقل از مکیال المکارم ج ۲ ص ۱۴۷ خدیث ۱۲۳۴.

[۳] کافی ج ۱ ص ۳۳۴ ذیل حدیث ۲.

[۴] بحارالانوار ج ۳۶ ص ۳۸۷ حدیث ۱.

[۵] غیبت نعمانی ص ۲۰۰ حدیث ۱۵.

[۶] کافی ج ۲ ص ۲۲ حدیث ۱۰.

[۷] رجوع شود به مکیال المکارم ج ۲ ص ۱۵۰.

[۸] کافی ج ۱ ص ۳۳۳ حدیث ۱.

[۹] بحارالانوار ج ۵۱ ص ۷۲.]

[۱۰] سوره معارج آییه ۶.

[۱۱] (هولذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون) سوره صف:۹. (وعد الله الذیآمنوا و عملوالصالحات لیستخلفهم فی الارض) سوره نور:۵۵. (ونرید ان نمن علی الذین استضعففوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین) سوره قصص آیه ۵.

[۱۲] کافی ج ۱ ص ۳۸۶ حدیث ۵،۳،۲.

[۱۳] سوره اعراف آییه ۱۳ آیه ۹۶.

[۱۴] کافی ج ۱ ص ۳۷۲ حدیث ۳.

[۱۵] بحارالانوار ج ۱۲ ص ۳۵۲ حدیث ۲۲.

[۱۶] ترجمه: خداوند هر کس را به رحمت واسع خود بی نیاز خواهد کرد (سوره نسا. آیه ۱۳۰).

[۱۷] بحارالانوار ج۵۲ ص ۳۰۹.

[۱۸] بحارالانوار ج ۵۱ ص ۳۵ و ج ۵۲ ص۸ ۳۲.

[۱۹] کافی ج۱ ص ۲۳۳ حدیث ۲، کمال الدین ص ۶۴۵.

[۲۰] بحارالانوار ج ۱۰ ص ۳۵۳ حدیث ۱.

[۲۱] بحارالانوار ج ۴۶ ص ۳۱ حدیث ۳۱، خرائج ص ۵۹۶.

[۲۲] کافی ج۲ ص ۷۹ حدیث ۱۵.

[۲۳] کافی ج ۱ ص۳۳۶ حدیث ۳.

[۲۴] بحارالانوار ج ۱۰۲ ص ۱۰۸.

[۲۵] کمال الدین ص ۴۴۸.

[۲۶] بحارالانوار ج ۲۲ ص ۴۳۱ حدیث ۴۰.

[۲۷] سوره صافات آیه ۱۰۵.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج – به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹